

## مصحف حضرت علی (ع) در منابع علم ائمه

الهام محمدزاده\*

سیدمحمد مرتضوی\*\*، سیدمرتضی حسینی شاهرودی\*\*\*

### چکیده

مصحف امام علی(ع) که نسخه دست نوشته آن حضرت از قرآن کریم به املاء پیامبر اکرم(ص) می باشد جزء میراث و منابع گران بهای علوم امامان شیعه است. وجود این مصحف بر طبق روایات هر دو مذهب شیعه و اهل سنت مورد تأیید قرار گرفته و غیرقابل انکار می باشد. دیدگاه مشهور عالمان شیعه این است که محتوای مصحف علی(ع) در ترتیب سوره ها و احتمالاً در تعداد اندکی از آیات و وجود تفسیر و تأویل آن ها با مصحف موجود تفاوت دارد. اما برخی از معاصران معتقدند که میان این مصحف با قرآن موجود در چینش آیات و سوره تفاوتی نیست بلکه صرفاً در مصحف علی(ع) تفسیر، تأویل و شأن نزول آیات ذکر شده است. در این نوشتار ضمن معرفی محتوای این مصحف، دیدگاه های مختلف شیعه و سنی مورد بررسی قرار گرفته و شبهات و هابیت در رد وجود مصحف پاسخ داده شده است. نیز به نقد و بررسی دیدگاه های متفاوت دانشمندان شیعه در نحوه چینش آیات و سوره مصحف امام(ع) پرداخته و ضمن نقد برخی از نظریات که تفاوت دو مصحف را فقط به چینش سوره ها فروکاهیده اند، دیدگاه معاصران مقبول تر ارزیابی گردیده است.

**کلیدواژه ها:** مصحف امام علی(ع)، منابع علم امام، ترتیب نزول، تفسیر، تأویل، شأن نزول

\* دانشجوی دکتری، دانشگاه فردوسی مشهد، em\_um2008@yahoo.com

\*\* دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)، Mortazavi-m@ferdowsi.um.ac.ir

\*\*\* استاد گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، shahrudi@ferdowsi.um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۲

## ۱. مقدمه

مصحف امام علی (ع) یکی از منابع علوم ائمه می‌باشد و مراد از آن قرآنی است که ایشان بعد از وفات رسول خدا (ص) جمع‌آوری نمود. از آن جایی که پیامبر اکرم (ص) در تعلیمات خود اهمیت زیادی نسبت به کلام الهی قائل بودند علی (ع) را مأمور به کتابت وحی و حفظ کلمات قرآن کریم نمودند. لذا شکی نیست که امام علی جزء اولین کاتبان وحی می‌باشد که کلمات آسمانی را نگاشت. (ابن سعد، ۲: ۳۳۸/۱۴۰۵؛ ابن ندیم، بی تا: ۳۰) حر عاملی همانند سایر علماء امامیه قائل است که به صورت متواتر در نصوص تاریخی و حدیثی وارد شده که پیامبر (ص) امام علی را به نگارش همه تنزیل و تأویل آن و نگارش همه سنت و احکام شرعی امر نمود. (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۲۴۳) یکی از مؤیدات این مطلب سخن علی (ع) است که می‌فرماید: «هیچ آیه‌ای از قرآن بر رسول خدا (ص) نازل نشد جز این که برای من خواند و املا فرمود و من به خط خود نوشتم و تأویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و خاص و عام آن را به من آموخت و از خدا خواست که فهم و حفظ آن را به من عطا فرماید، و از زمانی که آن دعا را درباره من کرد هیچ آیه‌ای از قرآن و هیچ علمی را که املا فرمود و من نوشتم فراموش نکردم.» (ابن بابویه، ۱۳۶۳: ۱/۲۸۴؛ کلینی، بی تا: ۸۳/۱) و یا در کلام دیگری فرمود: «سوگند به خدا آیه‌ای نیست، مگر اینکه من می‌دانم که کجا نازل شده در شب یا روز در بیابان یا کوه نازل شده است.» (حسکانی، ۱۴۱۱: ۴۸/۱؛ آمدی، ۱۳۶۶: ۲/۵۶۳)

این دو حدیث به خوبی نشانگر این است که علی (ع) با روح و جانش تمامی آیات قرآن را دریافت و حفظ نمود. مصحف ایشان به دلیل داشتن ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد نسبت به قرآن فعلی منبع ارزشمندی برای علوم اهل بیت محسوب می‌شود که به ویژگی‌های آن خواهیم پرداخت.

## ۲. مصحف در لغت و اصطلاح

مصحف در لغت به معنای «الجامع للمصحف المكتوبه بین الدفتین» می‌باشد یعنی کتابی است که صحیفه‌های نوشته شده را بین دو جلد جمع کرده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹/۱۸۶؛ فراهیدی، ۱۴۰۸: ۱۲۰/۳) لفظ مصحف جمع صحیفه است و در این تعریف شامل صفحاتی می‌شود که بر آن‌ها نگاشته شده است و لفظ دفتان به معنای دو طرف یک چیز را گویند. (همان؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۲۷۵) این لفظ در میان شاعران عرب قبل از اسلام و

نیز در تاریخ ادب اسلامی، در آیات قرآن و در سیره صحابه استعمال شده است. (امتیاز احمد، ۱۴۱۳: ۲۸۱) صحف یا صحیفه در اصطلاح اهل حدیث عبارت است از مجموعه احادیثی که از رسول خدا روایت شده و بر اوراقی نگاشته شده است یعنی لغت صحیفه در اصل بر یک ورق مکتوب وضع شده اما به خاطر کثرت استعمال بر چند ورقه (صفحه) به کار می‌رود. (ابوزید، ۱۴۱۲: ۲۴ و ۲۵) و در اصطلاح علوم قرآنی، به معنای قرآنی است که صحابه آن را جهت قرائت خود نوشته یا فراهم آورده بودند. (سجستانی، ۱۹۳۶: ۱۵) بنابراین لفظ مصحف صرفاً در مورد قرآن به کار نرفته بلکه قرآن یکی از مصادیق معنای لغوی مصحف می‌باشد که به صورت فراوان در این مصداق استعمال شده است. در آیات قرآن اسامی فراوانی برای قرآن ذکر شده که مصحف جزء آن‌ها نمی‌باشد. اما در چند روایت از پیامبر، لفظ مصحف برای قرآن مکتوب استعمال شده است. از جمله این‌که پیامبر اکرم فرمود: «من قرأ القرآن فی المصحف کانت له الف حسنه» (زرکشی، ۱: ۵۴۶/۱۴۰۸؛ متقی هندی، ۵۱۶/۱) نیز فرمود: «النظر الی المصحف عباده» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱/ ۲۰۴) برخی دانشمندان معاصر بر اساس این روایات معتقدند که قرآن در زمان حضرت رسول (ص) - نه در زمان ابوبکر - جمع آوری شده است. (عاملی، ۱: ۸۲/۱۴۱۰)

اما در برخی کتب اهل سنت آمده که لفظ مصحف در زمان رسول خدا (ص) بر قرآن مکتوب اطلاق نشده بلکه اولین بار در زمان ابوبکر برای قرآن به کار رفته است. نقل شده که وقتی ابوبکر قرآن را جمع نمود بعضی آن‌را انجیل خوانده و برخی آن‌را سفر از کتاب یهود خوانده که مورد قبول واقع نشد، ابن مسعود آن‌را مصحف نامید. (سیوطی، بی‌تا: ۵۳/۱) برخی دیگر گویند سالم مولی ابن حذیفه گفت من در حبشه دیدم که بر کتب مقدس مصحف گویند پس بر این لفظ اجماع نمودند. (کتانی، بی‌تا: ۲۸۱/۲) اما اولاً این دیدگاه برخلاف روایاتی است که پیامبر (ص) لفظ مصحف را به صراحت برای قرآن کریم ذکر کرده است. ثانیاً لغت مصحف عربی اصیل می‌باشد و ادباء ادب جاهلی از این لفظ استفاده کرده‌اند، اما زبان مردم حبشه عربی نبوده، بنابراین این لفظ از حبشه وارد زبان عربی نشده است.

### ۳. مصحف امام علی در منابع فریقین

در کتب حدیثی فریقین وارد شده که امام علی (ع) بعد از وفات پیامبر (ص) در خانه نشست و سوگند یاد کرد رداء بر دوش نگیرد تا آن‌که قرآن را در مصحفی گرد آورد. علمای شیعه و

برخی از اهل سنت وجود این مصحف را پذیرفته‌اند. روایات شیعی که به صورت تلویحی نشانگر عدم بیعت امام علی (ع) و اعتراض ایشان به ابوبکر است، با بحث تدوین قرآن در زمان پیامبر منافات ندارند، چراکه علی (ع) قرآن را در زمان حیات رسول خدا (ص) نگارش نمود و بعد از وفات ایشان آن را به صورت ترتیب یافته جمع آوری کرد و در میان مصحفی قرارداد. منابع روایی ذیل در شمار کتبی هستند که این واقعه را گزارش داده‌اند:

### ۱.۳ منابع شیعه

الف: نخستین منبع شیعی در این زمینه کتاب سلیم بن قیس می‌باشد که در طی سه روایت گزارشی از مصحف امام علی ارائه می‌دهد: «وقتی حضرت عهدشکنی و بی‌وفایی آنان را دید خانه‌نشینی اختیار کرد و به قرآن رو آورد و مشغول تنظیم و جمع آن شد، و از خانه‌اش خارج نشد تا آن‌که آن را جمع آوری نمود در حالی که قبلاً در اوراق و تکه چوبها و پوستها و کاغذها نوشته شده بود. وقتی حضرت همه قرآن را جمع می‌نمود و آن را با دست مبارک خویش طبق تنزیل و تأویلش و ناسخ و منسوخش می‌نوشت، ابوبکر به سراغ او فرستاد که بیرون بیا و بیعت کن. علی (ع) جواب فرستاد که من مشغول هستم و با خود قسم یاد کرده‌ام که عبا بر دوش نیندازم جز برای نماز، تا آن‌که قرآن را تنظیم و جمع نمایم. آنان هم چند روز درباره او سکوت اختیار کردند. امیرالمؤمنین قرآن را در یک پارچه جمع‌آوری نمود و آن را مهر کرد. سپس بیرون آمد در حالی که مردم با ابو بکر در مسجد پیامبر (ص) اجتماع کرده بودند. حضرت با بلندترین صدایش فرمود: ای مردم، من از روزی که پیامبر (ص) از دنیا رفته به غسل آن حضرت و سپس به قرآن مشغول بودم تا آن‌که همه آن را بصورت یک مجموعه در این پارچه جمع آوری نمودم. خداوند بر پیامبر (ص) آیه‌ای نازل نکرده مگر آن‌که آن را جمع آوری کرده‌ام، و آیه‌ای از آن نیست مگر آن‌که برای پیامبر (ص) خوانده‌ام و تأویلش را به من آموخته است.» (سلیم بن قیس هلالی، ۱۴۰۵: ۵۸۱) گرچه در صحت اعتبار کتاب سلیم بن قیس اشکالاتی طرح شده، (خوئی، ۱۴۱۰: ۸/ ۲۱۹-۲۲۷؛ عسکری، ۱۴۱۳: ۲/ ۳۹۹ و ۴۰۰) اما روایات این موضوع در کتب معتبر دیگر با اختلاف اندکی در متن روایت ذکر گردیده است.

ب: کلینی نیز چندین روایت در این زمینه آورده است. مانند این‌که امام صادق (ع) فرمود: «چون حضرت قائم (ع) آید کتاب خدای عزوجل را بر حد خودش خواهد خواند و آن مصحفی که علی (ع) نوشته است را بیرون آورد و می‌فرماید: علی (ع) پس از فراغت از

آن برای مردم آورد و به آنها فرمود: این است کتاب خدا آنچنان که خدا بر محمد(ص) نازل کرده است و من آن را میان دو لوح قرار دادم.» (کلینی، بی تا: ۴/۴۴۴)

ج: عیاشی و بحرانی در تفاسیر خود روایتی را ذکر نموده اند که به لحاظ محتوی، مشابه روایات سلیم بن قیس بوده و علی (ع) سوگند یاد می کند که تا مصحف را جمع آوری نکند از خانه خارج نشود، با این تفاوت که در ادامه حدیث نقل شده که ابوبکر سه بار برای بیعت گرفتن از علی (ع) به دنبال ایشان فرستاد و بار سوم عمر خطاب تهدید کرد که خانه فاطمه (س) را آتش می زند و قنقد فاطمه (س) را مورد ضرب و شتم قرار داد و آنها علی (ع) را با اکراه برای بیعت بردند. (عیاشی، ۲: ۳۰۷/۱۳۸۰؛ بحرانی، ۱۶۱۶: ۲/۴۳۴)

د: ابن شهر آشوب از طریق امامیه گزارش این مصحف را ذکر کرده است: وی از قول ابو رافع می گوید: «فلما قبض النبی (ع) جلس علی فآلفه کما أنزله الله و کان به عالما: بعد از وفات پیامبر (ص) علی (ع) در خانه نشست و قرآن را آنطور که نازل شده بود تألیف کرد و به آن عالم بود.» (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲: ۲/۵۰ و ۵۱) وی از طریق اهل سنت نیز روایات فراوانی را نقل کرده؛ از جمله از قول شیرازی (محمد بن عبید الله ابوبکر بن مؤمن) و ابو یوسف یعقوب از ابن عباس نقل می کند که: «جمع الله القرآن فی قلب علی و جمعه علی بعد موت رسول الله بستة أشهر: خداوند قرآن را در دل علی (ع) قرار داد و وی بعد از وفات رسول خدا در مدت شش ماه آن را تدوین کرد.» (همان: ۲/۵۰) و باز از قول خطیب بغدادی در کتاب اربعین با سند خود از امام علی (ع) چنین آورده است: «هنگامی که رسول خدا از دنیا رفتند سوگند خوردم رداء بر دوش نگیرم تا قرآن را بین دو لوح گرد آورم.» (همان: ۲/۵۱)

ه: قمی نیز مشابه روایات قبل را از قول امام باقر و امام صادق (ع) نقل می کند که پیامبر به علی (ع) دستور گرد آوری قرآن را داد و ایشان آن را در پارچه ای زرد رنگ قرار داد. (قمی، ۱۴۰۴: ۲/۴۵۱)

و: طبرسی نیز روایاتی را با مضامین قبل بیان کرده که تفاوتشان در این است که علت عدم پذیرش مصحف از طرف صحابه، بیان فضایح و زشتکاری های ایشان دانسته شده است. (احتجاج، ۱۳۸۱: ۱۹۰ و ۱۵۵)

علاوه بر روایات قبل که نحوه گردآوری قرآن را توسط علی (ع) در مصحف گزارش می دهند، احادیثی نقل شده که ائمه (ع) در تفسیر برخی آیات و صدور حکم فقهی به مصحف علی (ع) استناد نموده اند. از جمله این که امام صادق (ع) نحوه وضو گرفتن و تفسیر

آیه «یاویلتی لیتنی لم آتخذ فلانا خلیلاً» (الفرقان : ۲۸) را به مصحف علی (ع) ارجاع نمودند. (نباطی ، ۱۳۸۴ : ۳ / ۲۶۹؛ بحرانی، ۱۴۲۲ : ۴ / ۳۶۰)

گرچه روایات ذکر شده در این باب برخی صحیح و برخی مرسل هستند اما کثرت این روایات مانع از نادیده گرفتن محتوای آنها در مورد وجود مصحف امام علی می شود.

### ۲.۳ منابع اهل تسنن

جمعی از علما اهل سنت که درباره جمع قرآن توسط علی (ع) سخن گفته اند عبارت اند از:  
الف: ابن سعد از محمد بن سیرین نقل می کند که برای ما چنین نقل شده که علی گفت: «آلیت بیمنی أن لا أرتدی بردائی إلا إلى الصلاة حتی أجمع القرآن: سوگند یاد کردم تا قرآن را گرد نیآورم ردای خود بر دوش نگیرم.» (ابن سعد، ۱۴۰۵ : ۲ / ۲۳۸)

ب: ابن منادی نیز همین گزارش را به نقل از عبد خیر آورده است. (ابن ندیم، بی تا: ۳۱)  
ج: ابو نعیم اصفهانی از عبد خیر همین مضمون را گفته است. (ابو نعیم اصفهانی، ۱۴۰۷ : ۱ / ۶۷)

د: ابن عبد البر نیز آن را با دو طریق از محمد بن سیرین و عکرمه نقل می کند. (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ : ۹۷۶)

ه: حسکانی با سند خود با چند طریق از محمد بن سیرین، عبد خیر و عکرمه خبر مصحف را آورده است. (حسکانی، ۱۴۱۱ : ۱ / ۳۶)

و: ابن ندیم می گوید: علی جزء اولین کسانی است که قرآن را تدوین کرد او پس از وفات پیامبر از مردم بی وفایی دید، پس سوگند یاد کرد که عبا بر دوش نگیرد تا قرآن را گرد آورد، پس سه روز در خانه نشست تا آن را فراهم آورد و این نخستین مصحف است که آن را از سینه خود نوشت. (ابن ندیم، بی تا، ۳۰)

ز: عبدالکریم شهرستانی در میان علمای اهل سنت با تفصیل بیشتری این مطلب را گزارش کرده است: «چون علی بن ابیطالب از تجهیز رسول خدا فارغ شد و حضرت را دفن کرد رداء بر دوش نینداخت تا قرآن را جمع کند، چون بر این کار مأمور بود. پس قرآن را آن گونه که نازل شده بود بدون تحریف و تبدیل و زیاده و نقصان تدوین کرد و پیامبر خدا جایگاه آیات و تقدیم و تأخیر آنها را به ایشان آموخته بود. چون از جمع آن فارغ شد آن را برداشته و با غلامش قنبر به سوی مسجد آمد و گفته شده حجم آن به اندازه ی بار شتر بود. آن گاه روی به ایشان کرد و گفت این کتاب پروردگار شماست همان گونه که بر

محمد(ص) نازل شده، حرفی از آن کاسته نشد و چیزی افزون نگشت، من آن را بین دو لوح قرار دادم. حاضران مصحف را نپذیرفتند و گفتند ما را به چنین کتابی نیاز نیست. علی گفت: سوگند به خدا از امروز به بعد هرگز آن را نخواهید دید. فقط بر من لازم بود که شما را از جمع کردن مصحف آگاه کنم. سپس به خانه برگشت و آن‌ها را به حال خود گذاشت همان طور که هارون قوم موسی را بعد از القاء حجت به ایشان به خودشان وا گذاشت درحالی که این آیه را تلاوت می‌کرد «يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (شهرستانی، ۱۳۷۶: ۱۲۱/۱)

ح: موفق خطیب خوارزم با سند خود از عبد خیر گزارش این مصحف را آورده است. (خوارزمی، ۱۴۱۱: ۹۴)

ط: ابن جزئی کلبی می‌نویسد: بعد از وفات رسول خدا(ص) علی در خانه نشست و قرآن را به ترتیب نزول جمع آوری کرد. اگر مصحف او یافت می‌شد در آن دانش بسیاری بود ولی یافت نشد. (ابن جزئی الکلبی، ۱۹۹۳: ج ۱/۴)

بنابراین بر اساس روایات گذشته می‌توان دو نکته را برداشت نمود: اول این‌که خبر این مصحف از طریق شیعه و سنی وارد شده که علمای امامیه در پذیرش آن اجماع دارند و اکثر اهل سنت نیز به جز برخی متأثران از تفکرات سلفی (ناصر علی قفاری، احسان الهی ظهیر و...) آن را پذیرفته‌اند. دوم این‌که در غالب اخبار مصحف علی(ع) در منابع اهل سنت، اعتراض علی(ع) به بیعت با ابوبکر دیده نمی‌شود و گویا تأخیر علی(ع) در بیعت با ابوبکر را به جمع آوری قرآن توسط علی(ع) توجیه کرده و این تأخیر را نشانه مخالفت با ابوبکر نمی‌دانند، گرچه نشانه‌هایی از این اعتراض در خبر شهرستانی دیده می‌شود.

#### ۴. ویژگی‌های مصحف امام علی(ع)

اکثر کسانی که مصحف امام علی(ع) را توصیف نموده‌اند، موارد ذیل را به عنوان ویژگی خاص آن بیان کرده‌اند:

الف: ترتیب به حسب نزول: در این مصحف بنا بر نظر اهل سنت آیات و سوره قرآن براساس نزول جمع شده است. (ابن سعد، ۱۴۰۵: ۲/۲۵۸؛ سیوطی، بی‌تا: ۲۱۶/۱؛ ذهبی، ۱: ۲۸/۱۴۰۴؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۲۵۳) چنانچه نقل شده قرآن در زمان رسول خدا(ص) در میان صحیفه‌ها و در سینه حافظان قرآن پراکنده بود و هنگامی که پیامبر(ص)

وفات یافت، علی بن ابیطالب در خانه‌اش نشست و آن را به ترتیب نزول جمع آوری کرد. (ابن جزی الکلبی، ۱۹۹۳: ۴/۱)

اما از نظر غالب علمای شیعه مصحف علی (ع) فقط در ترتیب سوره‌ها با مصحف رایج اختلاف دارد و این که در ترتیب آیات دو مصحف تغییری رخ داده، احتمالی ضعیف می‌باشد. (خویی، ۱۴۰۸: ۲۲۳؛ امین عاملی، ۱۴۰۶: ۸۹؛ عاملی، ۱۴۱۰: ۱۵۹ و ۱۴۳؛ شرف الدین، ۱۴۰۲: ۴۱۱؛ معرفت، ۱۴۱۱: ۲۹۲/۱؛ زنجانی، ۱۴۰۴: ۵۴؛ سبحانی، ۱۴۲۲: ۲۱۶) در مصحف علی، ترتیب سوره‌ها بر اساس نزول بوده اما در مصحف رایج، سوره‌ها تقریباً از بلند به کوتاه مرتب شده است ولی در ترتیب آیات تفاوتی در دو مصحف وجود ندارد؛ زیرا براساس شواهد مختلف مکان آیات در سوره‌ها به ترتیب طبیعی نزول و به اشاره پیامبر (ص) تنظیم شده و منشأ وحیانی آن محفوظ است. البته در مورد تعداد اندکی از آیات احتمالاً این ترتیب طبیعی نقض شده ولی باید اصل را بر این نهاد که ترتیب آیات در سوره‌ها موافق نزول است مگر آن که با دلیلی خلاف آن ثابت شود و اگر هم در موارد نادری بر خلاف این ترتیب طبیعی ثابت شود، جز به دستور خاص پیامبر (ص) نبوده است. (معرفت، ۱۴۱۱: ۲۸۰/۱)

بنابراین ترتیب مصحف علی (ع) در چینش آیات، توقیفی و مورد تأیید پیامبر (ص) بوده اما ترتیب سور در مصحف کنونی مورد تأیید صحابه است. البته این مسأله، لزوماً به این معنا نیست که صحابه با نظر پیامبر (ص) بنای مخالفت داشته‌اند، بلکه این احتمال را تقویت می‌کند که پیامبر به لحاظ استمرار نزول وحی امکان آنرا نیافته بود که به تألیف مصحف اقبال کند، لذا این وظیفه را بر عهده حضرت علی (ع) نهاد. (نکونام، ۱۳۸۶: ۱۰۱) البته اختلاف مصحف علی (ع) با مصحف موجود در ترتیب پاره‌ای سور و آیات، سبب تغییر در معنای وحیانی آن نشده و اوصاف بنیادی قرآن را نظیر اعجاز، حقانیت، هدایت و ذکریت از بین نبرده است. (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۰۶/۱۲ و ۱۰۸)

ب: مقدم شدن آیات منسوخ بر ناسخ و مکی بر مدنی: در این مصحف بر اساس برخی شواهد آیات منسوخ بر ناسخ و مکی بر مدنی مقدم شده است. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۴/۸۹؛ مفید، اوائل المقالات، ۱۴۱۳: ۸۱؛ عاملی، ۱۴۱۰: ۱۶۰ و ۱۶۱؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۳۸/۱؛ بلاذری، ۱۳۹۴: ۵۸۷/۱؛ ابن سعد، ۱۴۰۵: ۵۸۷/۱) شیخ مفید می‌گوید: امیرمؤمنان (ع) قرآن نازل شده را از اول تا آخرش گرد آورد و آن را بر حسب ترتیبی که لازم بود فراهم کرد،



مکی را برمدنی و ناسخ را بر منسوخ مقدم داشت و هر چیزی از آن را در جای حقیقی اش نهاد. (مفید، ۱۴۱۳: ۷۹)

ج: اشتمال بر تأویل قرآن: علی(ع) به طلحه فرمود: «هرآیه که خداوند بر محمد(ص) نازل نمود و تأویل هرآیه‌ای که بر محمد(ص) نازل شد به املاء پیامبر و خط خودم در نزد من هست.» (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵: ۶۵۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۶۵/۲۶)

د: اشتمال بر تنزیل و تفسیر معانی آیات: مراد از تنزیل، متن قرآن بدون هیچ کم و کاستی و زیادت و نقصان، شأن نزول آیات مثل ذکر اسماء منافقین و تفاسیری است که خداوند بر رسولش نازل کرده، از آن جهت که فهم کامل آیات قرآن به جز از طریق وحی قابل فهم نیست، بنابراین مصحف علی(ع) شامل وحی قرآنی و بیانی می‌باشد. (عسکری، ۱۴۱۳: ۴۰۳/۲-۴۰۸؛ ۱۸/۳؛ همو، ۱۳۸۲: ۵۶۵/۲) چنان که خداوند متعال فرمود: «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ قِرْآنَهُ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ: در حقیقت گردآوردن و خواندن آن بر [عهد] ماست. سپس توضیح آن [نیز] برعهده ماست.» (قیامت/۱۹ و ۱۷)

ه: اشتمال بر محکم و متشابه: به این معنا که آیات محکم از متشابه مشخص شده است. علی(ع) فرمود: «و پس از وفات پیامبر قرآن را به صورت کامل و مشتمل بر تأویل و تنزیل و محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ بدون هیچ افتادگی حرف الف و لامی حاضر نمودند و هنگامی که بر آن چه خداوند از اسامی اهل حق و باطل آشکار نموده بود واقف شدند و دریافتند اگر آن آشکار شود نقشه‌هایشان بر باد خواهد رفت گفتند: آنچه نزد ماست کافی بوده و نیازی به آن نداریم.» (طبرسی، ۱۳۸۱: ۵۷۶/۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴۷/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴ الف: ۴۱/۸۹)

و: هیچ حرفی حتی الف و لام از آن حذف نشده است. چنان که در روایات قبل از قول شیعه و سنی ذکر شد. «هذا کتاب ربکم كما أنزل علی نبیکم، لم یزد فیہ حرف، و لم ینقص منه حرف» (ابن بابویه و شیخ مفید، ۱۴۱۴: ۸۶/۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴۷/۱؛ شهرستانی، ۱۳۷۶: ۱۲۱/۱)

ز: مشتمل بر اسماء حق و باطل است، چنان که در روایات قبل بیان گردید. این مطلب نشان می‌دهد که مصحف علی(ع) همان مصحفی است که امام رضا(ع) آن را به احمد بن محمد بن ابی نصر نشان داد و او در ذیل آیه «لم یکن الذین کفروا» (بینة/۱) اسامی هفتاد نفر از قریش و اسامی پدرانیش را یافت. (کلینی، بی تا: ۴۴۰/۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۲۱/۱۲؛ زرقانی، ۱۴۱۲: ۲۷۳/۱)

ح: این مصحف به املاء پیامبر و خط علی (ع) می‌باشد. چنان که ایشان بارها به این نکته تصریح کردند. علی (ع) فرمود: «لو تئیت لی الوساده و عرف لی حقی لأخرجت لهم مصحف أکتبته و املاءه علی رسول الله: اگر مسندی برای من گذاشته و حقم شناخته شود مصحفی را که به املاء پیامبر (ص) نوشته‌ام عرضه خواهم کرد.» (ابن شهر آشوب، ۱: ۳۲۰/۱۴۱۲) لذا جمع مصحف به دست علی (ع) به معنای گردآوری، تألیف و ضمیمه کردن تفسیر و تأویل آیات به صفحات قرآن است که به املاء پیامبر (ص) بر روی پوست‌ها، پارچه‌ها و چوب‌هایی نگاشته شده بود و روایاتی که از جمع مصحف در سه یا هفت روز حکایت دارند شاهدی بر این مدعا می‌باشد. (مجلسی، ۱۴۰۴ الف: ۲۳/۲۴۹؛ ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۷۳)

بنابراین تفاوت مصحف علی (ع) با مصحف موجود در نص آیات قرآن کریم نیست بلکه آن مصحف به استناد احادیث شیعه و سنی مشتمل بر تفسیر، تأویل و شأن نزول آیات بوده که به نقل شهرستانی در حاشیه آن نگاشته شده بود.

## ۵. بررسی ترتیب نزول در مصحف امام علی (ع)

۱.۵ در قسمت قبل ذکر گردید که دیدگاه مشهور علمای شیعه و سنی این است که چینش مصحف امام علی (ع) بر اساس نزول بوده و تفاوت مصحف ایشان با مصحف رایج در ترتیب سوره های قرآن و احتمالاً برخی از آیات می‌باشد. اما برخی معاصران، دیدگاه جدیدی مطرح کرده و روایات مربوط به ترتیب مصحف امام علی (ع) را از لحاظ سندی ضعیف دانسته یا تأویل نموده‌اند. (مهدوی راد، ۱۳۸۸: ۳۴۴-۴۰۰؛ ایازی، ۱۳۸۰: ۸۱-۹۵؛ مدرسی، ۱۳۸۳: ۲۰؛ فرشچیان، ۱۳۸۵: ۸-۱۳؛ ناصحیان، ۱۳۸۰: ۸۰-۸۸) ایشان معتقدند که تفاوت مصحف امام علی با مصحف موجود در این است که در مصحف امام (ع) تفسیر و شأن نزول آیات ذکر شده اما در مصحف عثمانی نیامده است. (مهدوی راد، ۱۳۸۸: ۴۴۰؛ ایازی، ۱۳۸۰: ۱۱۴) دلیل بر این مدعا این است که اولین خبری که در منابع سنی نقل شده، خبر ابن سعد از محمد بن سیرین است که گفت: «...فزعوا أنه کتبه علی تنزیله» (ابن سعد، ۱۴۰۵، ۳۳۸/۲) این روایت اساس مطلب در منابع اهل سنت است که صراحتاً بر ترتیب مصحف علی (ع) بر اساس نزول دلالت ندارد و به گفته ابن سیرین، قوم گمان کردند که علی (ع) مصحف را بر اساس نزول نوشته است، در حالی که هیچ‌کدام از روایان آن مصحف را مشاهده نکرده تا بر اساس مشاهداتشان گزارش دهند. به گفته برخی

اندیشمندان معاصر هیچ‌کس آنچه را که علی(ع) در مصحف خود نوشته، ندیده است، پس نظرات دیگران صرفاً حرف بدون دلیلی است و آنچه درباره این مصحف از طریق غیر معصوم نقل شده اساسی ندارد. (عسکری، ۱۴۱۳: ۴۰۳/۲) در روایات شیعه نیز قدیمی‌ترین نقل از ابن شهر آشوب است که از قول ابو رافع گفت: «أَلْفَهُ كَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَكَانَ بِهِ عَالِماً» (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲: ۵۰/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴ الف: ۵۲/۸۹) امام صادق(ع) از قول علی(ع) فرمودند: «هَذَا كِتَابُ اللَّهِ قَدْ أَلْفَتْهُ كَمَا أَمَرَنِي وَ أَوْصَانِي رَسُولَ اللَّهِ ص كَمَا أَنْزَلَ: إِنَّهُ اسْتَكْتَابَ خِذَا، هَمَا نَكُونَهُ كَمَا رَسُولُ خِذَا بِي مِنْ أَمْرٍ نَمُودُ وَ وَصِيَّتْ كَرْدَ أَنْ رَا تَأَلِيفَ نَمُودُ» (مجلسی، ۱۴۰۴ الف: ۳۰۸/۲۸) نیز فرمود: «هَذَا كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدًا: إِنَّهُ اسْتَكْتَابَ خِذَا أَنْجَنَانَ كَمَا خِذَا وَنَدَّ بِرِ مُحَمَّدٍ (ص) نَازَلَ كَرْدَهُ اسْتَكْتَابَ» (همان: ۸۸/۸۹؛ صفار، ۱۳۸۹: ۶۹۵/۱؛ کلینی، بی تا: ۴۴۴/۴)

۲.۵ برخی شدیداً معتقدند که تعبیر «کما انزل الله»، «کما انزل» و «علی تنزیله» که در این احادیث ذکر شده فقط در مورد متن آیات قرآن به کار می‌رود و نمی‌توان از آن‌ها تفسیر و تأویل آیات را برداشت نمود. لذا تفاوت مصحف امام(ع) و مصحف عثمانی فقط در ترتیب سور قرآن است. (نکونام، ۱۳۸۶: ۸۲-۸۷ و ۱۰۱) در نقد این دیدگاه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

اولاً: اصطلاح تنزیل صرفاً به معنای متن آیات قرآن نیست، بلکه گاهی علاوه بر متن آیات، تفسیر و تأویل آن را دربردارد، چنان‌که از روایت ابن سیرین و عکرمه به دست می‌آید. (نجار زادگان، ۱۳۷۸: ۶۷) در حدیث دیگری آمده است که محمد بن فضیل گوید از حضرت ابوالحسن(ع) راجع به قول خدای عزوجل «می‌خواهند با پف دهانشان نور خدا را خاموش کنند» (صف/۸) پرسیدم، فرمود: یعنی می‌خواهند ولایت امیرالمؤمنین(ع) را با پف دهانشان خاموش کنند، گفتم: «خدا تمام‌کننده نور خود است» فرمود: خدا تمام‌کننده امامت است، بدلیل قول خدای عزوجل «کسانی که به خدا و رسولش و نوری که فرو فرستاده‌ایم ایمان آورند» (تغابن/۸) پس نور همان امام است. گفتم: این تنزیل است؟ فرمود: آری این حرف تنزیل است و اما غیر آن تأویل است. (کلینی، بی تا: ۳۱۱/۲) در این حدیث امام(ع) به صراحت تفسیر آیات قرآن را تنزیل خطاب می‌کند، زیرا تفسیر آیات نیز از طرف خداوند بر رسولش نازل می‌شود. (حیدری، ۱۴۳۱: ۵۹-۶۴)

ثانیاً: عبارت «کما انزل الله» یا مشابه آن، مانند لفظ "مصحف" به صورت خاص برای آیات قرآن به کار می‌رود، اما این سخن به این معنا نیست که کاربرد این الفاظ در معنای

عام باطل باشد، بلکه می توان گفت علی (ع) آن چه از طرف خداوند متعال نازل شده را جمع آوری نمود که شامل متن قرآن (وحی قرآنی) و تفسیر و تأویل آن (وحی بیانی) می باشد. در قرآن کریم آمده: «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ: درحقیقت گردآوردن و خواندن آن بر [عهد] ماست. سپس توضیح آن [نیز] بر عهده ماست.» (قیامت/۱۹ و ۱۷) و «أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم، تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی، و امید که آنان بیندیشند.» (نحل: ۴۴) بر اساس این آیات، تبیین و توضیح قرآن کریم از طرف خداوند متعال بر رسول اکرم (ص) نازل شده است که همان وحی بیانی می باشد.

ثالثاً: در روایات متعددی از قول علی (ع) نقل شده که ایشان تفسیر و تأویل قرآن را به امر پیامبر (ص) و املاء ایشان نگاهشته است. (ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ص ۲۵۷؛ صفار، ۱۳۸۹: ۷۰۷/۱-۷۱۲) یکی از محققان معاصر می گوید: بر اساس مصادر حدیثی رسول خدا (ص) علی (ع) را مأمور کرد تا قرآن را با تفسیر و تأویل و ناسخ و منسوخش نگارش کند. (احمدی میانجی، ۱۴۱۹: ۴۰۳/۱) مشابه این سخن از سایر علمای شیعه نیز نقل شده است. (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۲۴۳؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۴۴۱؛ شرف الدین، ۱۴۰۲: ۴۱۱)

رابعاً: اگر مراد از «تنزیل» و «کما انزل الله» فقط متن قرآن باشد، تفاوت مصحف علی (ع) با مصحف موجود، صرفاً در ترتیب سوره ها خواهد بود. در این صورت این مصحف امتیاز خاص و ویژه ای نخواهد داشت تا ائمه (ع) آن را به عنوان یکی از منابع علوم خود معرفی کنند، زیرا ایشان از همین مصحف رایج هم می توانستند به عنوان منبع علم خود نام ببرند و نیازی به ذکر مصحف امام (ع) نبود.

خامساً: به گزارش روایات فریقین، صحابه این مصحف را نپذیرفته و آن را رد کرده اند. اگر مراد از «ما انزل الله» متن قرآن بود و این مصحف صرفاً بر اساس نزول نوشته شده بود، عدم پذیرش این مصحف از طرف صحابه به دلیل جابجایی چند سوره امری بی اساس به نظر می رسد؛ پس این مصحف مشتمل بر تفسیر و تأویل آیات بوده که صحابه از آن بیمناک بوده لذا آن را رد کردند.

سادساً: درباره مصحف علی (ع) تعبیر مختلفی وارد شده از جمله «لوجد فيه علم كثير»، (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۲۸۳/۲) «ولو وجد مصحفه لكان انفع و اكثر علماً»، «لو وجد مصحفه لكان فيه علم كبير» (ابن جزی الکلبی، ۱۹۹۳: ۴/۱) «لو اجتمعت الانس و الجن أن يؤلفوه ذلك التأليف ما استطاعوا» (سیوطی، بی تا: ۱۲۷/۱) «وكان به عالماً» (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲:

۵۰/۲) بنابراین اگر تفاوت دو مصحف صرفاً در ترتیب سور و آیات باشد تعبیر قبل معنایی نخواهد داشت؛ زیرا علم کثیر و ناتوانی جن و انس از تألیف قرآنی همانند مصحف علی(ع) در صورتی صحیح است که این قرآن حقایق فراوانی را علاوه بر متن آیات در خود جای داده باشد. نکته دیگر این که عالم بودن علی(ع) به قرآن محدود به اطلاع از ترتیب نزول آیات به لحاظ تاریخی نیست و امکان اطلاع سایر صحابه از این ترتیب تاریخی نیز بوده است، چنان که شواهد فراوانی در این باب نقل شده، بلکه علم علی(ع) بر قرآن شامل اسرار و معانی عمیق و تأویل و تفسیر کامل آیات است که کسی جز امام معصوم امکان اطلاع بر این حقایق را ندارد.

۳.۵ در دفاع از دیدگاه مشهور و نقد دلایل نگارنده می توان به برخی از احادیث استناد کرد که بعد از ذکر آن مورد نقادی قرار می گیرد:

الف: امام باقر(ع) فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ ضَرْبَ فَسَاطِيطٍ لِمَنْ يَعْلَمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ عَلِيٌّ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ فَأُصْعَبُ مَا يَكُونُ عَلِيٌّ مِنْ حِفْظِهِ الْيَوْمَ لِأَنَّهُ يَخَالِفُ فِيهَا لِتَأْلِيفِ: چون قائم آل محمد(ص) ظهور فرماید خیمه‌هایی برپا می‌کند و قرآن را به همان شکل که نازل شده بود به مردم می‌آموزد و آن روز فراگرفتن قرآن از امروز دشوارتر است زیرا آن قرآن با قرآن فعلی از نظر تألیف، مخالف است.» (مفید، ۱۴۱۳: ۳۸۶/۲)

اولاً: این حدیث مرسل است و جز در کتاب شیخ مفید در منابع پیش از آن دیده نمی‌شود و ممکن است عبارت پایانی این حدیث «فأصعب ما يكون علي من حفظه اليوم لأنه يخالف فيها لتأليف» سخن شیخ مفید و برداشت ایشان از حدیث مذکور باشد زیرا وی از میان علمای شیعه اولین کسی است که مسأله ترتیب مصحف علی(ع) را بر اساس نزول مطرح کرد. (مهدوی راد، ۱۳۸۸: ۴۴۰)

ثانیاً: از این حدیث استنباط می‌شود که مصحف امام(ع) به لحاظ ترتیب آیات و سور با مصحف کنونی تفاوت زیادی دارد؛ زیرا اگر صرفاً تفاوت در ترتیب سوره‌ها بود یادگیری آن برای حافظان قرآن دشواری نداشت. در حالی که ترتیب آیات قرآن در مصحف موجود منشأ و حیاتی داشته و با نظارت پیامبر اکرم انجام شده است و دلایل عقلی و نقلی فراوانی بر این امر دلالت دارد.

ثالثاً: این حدیث شاهد خوبی است که عبارت «ما أنزل الله» صرفاً متن قرآن کریم نیست بلکه تفسیر و تأویل آن نیز می‌باشد. از آنجا که بر اساس نظر مشهور چینش آیات قرآن موجود مطابق نظر پیامبر بوده است لذا قبل از ظهور حضرت مهدی(عج) نیز مردم قرآن را

بر اساس «ما انزل الله» می آموزند و این یادگیری مختص به بعد از ظهور حضرت نیست مگر اینکه منظور از عبارت «ما انزل الله» نص قرآن و تفسیر آن باشد. بنابراین دشواری حفظ قرآن در زمان ظهور به دلیل وجود همه خصوصیات مربوط به تنزیل، شأن نزول، تفسیر و تأویل آیات می باشد.

ب: حدیث دیگری که مورد استناد قرار گرفته این است که امام باقر(ع) فرمود: «ما من أحد من الناس يقول انه جمع القرآن كله كما أنزل الله إلا كذاب و ما جمعه و ما حفظه كما أنزل الله إلا علی بن أبیطالب و الأئمة من بعده: جز دروغگو هیچ کس از مردم ادعا نکند که تمام قرآن را چنان که نازل شده جمع کرده است و کسی جز علی بن ابیطالب و امامان پس از وی آن را چنان که خدای تعالی فرستاده جمع نکرده اند.» (صفار، ۱۳۸۹: ۱/۲۹۵)

چگونه ممکن است که تدوین قرآن بر حسب نزول صرفاً به ائمه (ع) نسبت داده شود در حالی که متأخر از کاتبان وحی هستند و کاتبان وحی می توانستند قرآن را بر حسب نزول بنویسند همان طور که این چنین نوشته اند. به نظر می رسد منظور این حدیث از کل قرآن صرفاً آیات نازل شده نیست بلکه تفسیر و تأویل آن را نیز شامل می شود؛ چرا که در حدیث آمده کسی جز علی(ع) و ائمه قادر به جمع قرآن نیستند، در حالی که کل قرآن در مصحف موجود جمع آوری شده است و ائمه(ع) بارها به همین قرآن موجود در اثبات احکام و استنباط آن ها استناد کرده و با آن علیه مخالفان خود احتجاج می نمودند. (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱/۱۳۱ و ۲۱۱؛ همان: ۳۱۱/۱۷) پس ائمه مصحف موجود را بر اساس قرآنی که تحریف نشده و کل «ما انزل الله» در آن جمع آوری شده پذیرفته اند. احادیث عرضه روایت به قرآن، اخذ به کتاب و رجوع به قرآن شواهد دیگری بر ادعای قبل است. (همان: ۳۴/۲۷؛ کلینی، بی تا: ۷۶/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴ الف: ۲/۲۴۴ و ۲۵۰) برخی از نویسندگان بر اساس دو روایت قبل و شواهد دیگر معتقدند تنها علی(ع) می توانسته قرآن را بر اساس نزول جمع آوری کند و سایر صحابه ترتیب نزول قرآن را به طور کامل نمی دانسته اند. بنابراین عبارت «ما انزل الله» صرفاً در مورد متن آیات قرآن است و تفسیر آن را در بر ندارد، لذا مصحف موجود که به دست صحابه تدوین شده با مصحف امام(ع) متفاوت است. (نکونام، ۱۳۸۶: ۸۹-۹۳) در حالی که وی معتقد است چینش آیات در مصحف موجود بر اساس ترتیب طبیعی نزول است و با مصحف امام تفاوت ندارد. پس در تدوین مصحف موجود، بقیه صحابه همانند علی(ع) از ترتیب نزول آیات اطلاع داشته و بر همان اساس مصحف موجود را جمع آوری کرده اند. چگونه ممکن است که صحابه ترتیب نزول چند هزار آیه قرآن را بدانند اما ترتیب

نزول صدو چهارده سوره قرآن را ندانند! و چرا باید دانستن ترتیب نزول سور قرآن از عهده جن و انس خارج باشد!

نکته دیگر این که نویسنده فوق تأکید زیادی بر این مسأله دارد که مطالعه سوره‌های قرآن در بستر تاریخی‌شان و با توجه به ترتیب نزول آن‌ها، بسیاری از اختلافات تفسیری را حل خواهد کرد و فهم عمیقی از آیات را به دست خواهد داد. اما در مصحف موجود به دلیل فقدان این ویژگی مهم، رویدادهای تاریخی آشفته به نظر آمده و بر خلاف توالی تاریخی‌شان نشان داده می‌شوند. (همان: ۹۴ و ۱۰۴)

سؤال این است که اولاً: ایشان این آشفته‌گی رویدادهای تاریخی را در مصحف موجود چگونه با جنبه اعجاز لفظی قرآن مطابق می‌دانند، در حالی که چینش صحیح آیات در سور و نیز چینش منطقی سوره‌ها در قرآن که به منزله فصل‌های این کتاب الهی هستند، شواهدی بر اعجاز قرآن خواهد بود. چگونه ممکن است کتابی که تمام جملات و کلمات آن در نهایت فصاحت و بلاغت و دیگر مصادیق اعجاز لفظی به کار رفته است، بین فصل‌های این کتاب (سور آن) جنبه اعجاز لحاظ نشده و در رویدادهای تاریخی آن آشفته‌گی دیده شود. بنابراین ادعای عدم نظم و ترتیب بین سوره‌های قرآن به معنای این است که بگوییم خدای حکیم کتابی برای هدایت بشریت فرستاده که بین بخش‌های آن نظم منطقی وجود ندارد و این سخن با حکمت الهی ناسازگار است.

ثانیاً: اگر این توالی تاریخی در فهم تفسیر این مقدار اهمیت دارد باید همه جا این توالی تاریخی رعایت شود، در حالی که بنا بر نظر بعضی از قرآن پژوهان محتمل است که در برخی سور مدنی، آیات مکی گنجانده شده و این ترتیب بهم خورده است. (حجتی، ۱۳۸۷: ۴۰۱) نیز بر اساس شواهد ذکر شده رسول خدا(ص) در تعیین جایگاه آیات در سوره‌ها نقش اساسی داشته و خود ایشان چندین آیه را در یک سوره قرار داده و جای هر آیه را مشخص کردند. (همان: ۴۲۴ و ۴۲۸ و ۴۳؛ صبحی صالح، ۱۹۷۲: ۶۹-۷۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷۱/۱۲) اگر توالی تاریخی شرط اساسی فهم قرآن بود پیامبر اکرم به کاتبان وحی می‌گفتند که از یک کنار آیات قرآن را در مصحف‌هایشان بنویسند و آیات را جابجا نمی‌کردند.

ثالثاً: شواهد عقلی و نقلی وجود دارد که نشانگر وحیانی بودن چینش سور قرآنی در مصحف موجود است. (ناصحیان، ۱۳۸۹: ۸۲-۸۷) از جمله:

الف: احادیث ختم قرآن و فضیلت ختم آن، (سیوطی، بی تا: ۶/۱ و ۲۹۵؛ متقی هندی: ۱۴۰۹/۱ ۵۴؛ ابن بابویه، بی تا: ۱۰۲) نشانگر این است قرآن کریم در زمان رسول خدا (ص) دارای آغاز و پایان مشخصی بوده و سوره‌های آن ترتیب ویژه‌ای داشته است.

ب: احادیث پیامبر اکرم در مورد بخش‌های قرآن، که ایشان عناوینی را برای هر مجموعه سوره قرآن بیان فرمودند که به طور اجمالی با ترتیب کنونی سوره‌ها هماهنگ است. (کلینی، بی تا: ۴/ ۴۰۱؛ ابن حنبل، ۱۳۱۳: ۱۰/۴) به طور مثال بخش‌های "سبع طول" در این احادیث (هفت سوره طولانی آغاز قرآن) به ترتیب از ابتدای قرآن آغاز شده و به آخر قرآن منتهی می‌گردد و مقصود از "مفصل"، سوره‌های بخش پایانی قرآن کریم است که کوتاه‌تر از سوره‌های بخش‌های پیشین هستند و غالباً آیات کوتاه دارند. این ترتیب در ذکر مجموعه یاد شده اجمالاً با نظم کنونی سوره‌های قرآن هماهنگ است و شاهدی بر اینکه نظم سوره‌ها در زمان پیامبر (ص) سامان یافته است.

ج: عنوان فاتحه الکتاب در احادیث نبوی، که در این احادیث عنوان فاتحه الکتاب برای سوره حمد بکار رفته است و این امر نشانه این است که در عهد رسول خدا سوره‌های قرآن ترتیب کنونی را داشته و پیامبر از طریق وحی، نظم سوره‌ها را ابلاغ نموده است. لذا سوره حمد نخستین سوره‌ای است که قرآن کریم با آن آغاز می‌شود. (سیوطی، بی تا: ۱۸۷/۱ و ۶۶؛ ابن بابویه، ۱۴۱۷: ۲۴۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱۲۰/۳)

۴.۵ بنا بر این در باب مصحف امام علی دو نظریه وجود دارد: ۱- نظریه مشهور علماء شیعه ۲- نظریه جدید برخی معاصران علوم قرآنی که تفاوت مصحف علی (ع) و مصحف موجود را صرفاً در بیان تفسیر و تأویل و شأن نزول آیات می‌دانند و این که مصحف علی همانند تفاسیر قرآن کنونی نوشته شده که تفسیر آیات در ذیل و حاشیه آن‌ها ذکر شده است. هر دو گروه از دلائل و شواهد فراوانی برای اثبات مدعای خود بهره جسته‌اند. اما با توجه به شواهدی که در مباحث قبل ذکر گردید و بیان چند مقدمه دیگر می‌توان نظریه معاصران را نسبت به نظریه مشهور، احتمال قوی‌تری دانست.

الف: قرآن، معجزه پیامبر اکرم در اثبات نبوت ایشان تا روز قیامت است، پس باید جنبه‌های اعجاز در آیات و سوره‌های آن محفوظ باشد.

ب: پیامبر اکرم به امام علی (ع) دستور داد تا قرآن کریم را جمع‌آوری کند.

ج: بنا بر شواهد تاریخی مصحف موجود در زمان عثمان به صورت یک مصحف مدون یا یک قرآن تدوین گردید. (حجتی، ۱۳۸۷: ۴۳۷-۴۴۵)



د: بر اساس برخی روایات شیعه و سنی عمل عثمان در جمع‌آوری قرآن مورد تأیید اکثر صحابه و به خصوص حضرت علی(ع) بوده است و حتی برخی بزرگان شیعه معتقدند علی(ع) بر جمع قرآن در زمان عثمان نظارت داشته و با تصویب آن حضرت این کار انجام شده و در حقیقت پشتوانه کار عثمان در جمع و ترتیب قرآن آگاهی‌های حضرت علی(ع) درباره قرآن بوده است. (ابن طاووس، ۱۳۶۳: ۲۷۸) نیز نقل شده مصحف عثمانی بر اساس آیات در مصحف علی(ع) و قرائت آن نگاشته شده و اکثر صحابه بر آن اتفاق نظر داشتند، لذا عثمان به جز مصحف امام علی، مصحف‌های سایر صحابه را سوزانید. (حلی، ۱۴۱۴: ۱۴۱/۳)

ه: شواهد فراوانی بر توقیفی بودن چیش آیات و سور از طرف پیامبر اکرم(ص) وجود دارد. (صبحی صالح، ۱۹۷۲: ۶۹-۷۴)

با توجه به مقدمات فوق می‌توان گفت که حضرت علی(ع) مصحف کنونی را بر اساس مصحف خویش تنظیم کرده و چیش آیات و سور آن را بر اساس نظر حضرت رسول(ص) قرار دادند تا جنبه‌های کامل اعجاز قرآن محفوظ باشد و ایشان و سایر ائمه همیشه به قرآن موجود استناد کرده‌اند، پس مصحف امام علی در ترتیب آیات و سور هیچ تفاوتی با مصحف کنونی نداشته و صرفاً تأویل و تفسیر آیات در آن مصحف افزوده شده است.

## ۶. عدم پذیرش مصحف علی(ع) از سوی صحابه

در منابع شیعه و سنی نقل شده که علی(ع) هنگامی که قرآن را جمع نمود آن را بر دیگران عرضه کرد و گفت: «هذا کتاب ربکم كما أنزل علی نبیکم، لم یزد فیہ حرف، و لم ینقص منه حرف فقالوا: لا حاجة لنا فیہ، عندنا مثل الذی عندک» (ابن بابویه و شیخ مفید، ۱۴۱۴: ۸۶/۱) نیز فرمود: «این است کتاب خدا آن چنان که خدا بر محمد(ص) نازل کرده است و من آن را میان دو لوح فراهم کرده‌ام، مردم گفتند: نزد ما مصحفی است که قرآن در آن گرد آمده و ما به قرآن تو نیازی نداریم، علی(ع) فرمود: به خدا سوگند که هرگز پس از امروز آن را نخواهید دید، و فقط بر من لازم بود که پس از فراهم کردن و جمع کردنش شما را بدان آگاه کنم تا آن را بخوانید.» (کلینی، بی‌تا: ۴/۴۴۴؛ صفار قمی، ۱۳۸۹: ۶۹۵/۱) مشابه این عبارت از اهل سنت نقل شده که قوم به او گفتند: ما به این مصحف احتیاجی نداریم و علی گفت: «یا ربّ إنّ قومی اتّخذوا هذا القرآن مهجوراً» (شهرستانی، ۱۳۷۶: ۱۲۱/۱)

سؤال مهم این است که علی‌رغم این که برخی علمای عامه آرزو داشتند این مصحف را ببینند. (سیوطی، ۱۴۱۱: ۱۸۵؛ زرقانی، ۱۴۱۲: ۲۴۷/۱؛ ابن سعد، ۱۴۰۵: ۳۳۸/۲) چرا صحابه پیامبر به خصوص ابوبکر و عمر این مصحف را طرد کردند؟ پاسخ این پرسش روشن است زیرا مصحف امام (ع) شامل تفسیر، شأن نزول و تأویل آیات بود و حتماً نصوصی در امامت ایشان و سایر اهل بیت و فضائل آن‌ها در برداشت. پذیرش چنین مصحفی به معنای تأیید آیات ولایت اهل بیت بود که خطری جدی برای حکومت وقت و فضای سیاسی به شمار می‌رفت. علی (ع) دلیل رد این مصحف را چنین بیان نمود که «فلما وقفوا علی ما بیننا لله من أسماء أهل الحقّ و الباطل و أنّ ذلك إنّ ظهر نقص ما عهدوه قالوا لاجاجه لنا فیه نحن مستغنون عنه بما عندنا: و هنگامی که بر آنچه خداوند از اسامی اهل حقّ و باطل آشکار نموده بود واقف شدند و دریافتند اگر آن آشکار شود نقشه‌هایشان بر باد خواهد رفت گفتند: آن چه نزد ماست کافی بوده و نیازی به آن نداریم.» (طبرسی، ۱۳۸۱: ۵۷۶/۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۸/۱ و ۳۹) به همین دلیل خلیفه اول و دوم نه تنها مصحف مذکور را نپذیرفتند بلکه از نقل و نگارش احادیث نبوی مربوط به تفسیر و غیر آن منع کردند (ذهبی، بی تا: ۳ و ۲/۱) تا احادیثی که فضایل اهل بیت را معرفی می‌کند در جامعه مطرح نشود و با نگارش تفسیر در مصاحف مخالفت نمودند. چنانچه نقل شده مردی مصحفی نگاشت و تفسیر هر آیه را در کنار آن نوشت. عمر او را نزد خود فرا خواند و مصحف او را بُرید. (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۳۱۵/۲)

## ۷. سرانجام مصحف علی (ع)

بعد از آن که مصحف امام (ع) توسط فضای حاکم پذیرفته نشد حضرت علی (ع) سوگند یاد کرد که هرگز مصحف را نخواهند دید و بنابر تأیید روایات این مصحف به دست ائمه (ع) یکی بعد از دیگری منتقل گردید تا نشانه‌ای بر امامت ایشان باشد و به دست حضرت مهدی (عج) سپرده شده است. امام صادق فرمود: «فإذا قام القائم (ع) قرأ کتاباً لله عزّ و جلّ علی حدّه هو أخرج المصحف الذی کتبه علی (ع)» (کلینی، بی تا: ۴/۴۴۴؛ صفار قمی، ۱۳۸۹: ۶۹۵/۱)

ابن ندیم در الفهرست بعد از بیان ویژگی‌های مصحف امام علی نقل می‌کند که این مصحف نزد ابی یعلی حمزه الحسنی از فرزندان امام حسن می‌باشد که به او ارث رسیده است. (ابن ندیم، بی تا: ۳۰) اما با توجه به روایات فراوان دال بر وجود مصحف نزد ائمه اهل

بیت(ع) ادعای ابن ندیم صحیح نیست؛ زیرا این مصحف مانند جفر، جامعه و مصحف فاطمه نشانه‌های امامت و منبع علم ایشان محسوب می‌شود. در حدیثی آمده: «سوره بن کلیب گوید زید بن علی به من گفت: از کجا فهمیدی که پسر برادرم، جعفر امام است؟ گفتم هرگاه خدمت برادرت محمد بن علی حضرت باقر(ع) می‌رفته سؤال می‌کردیم، می‌فرمود پیغمبر(ص) چنین فرمود یا خداوند در قرآن چنین فرموده. وقتی برادرت از دنیا رفت نزد اهل بیت پیغمبر رفتیم و هر کس را که احتمال می‌دادیم امام باشد، حتی پیش تو نیز آمدیم بعضی از مسائل ما را جواب می‌دادید ولی اطلاع از تمام سؤال‌های ما نداشتید تا خدمت پسر برادرت جعفر بن محمد رفتیم. همان‌طوری که پدرش می‌فرمود جواب ما را داد. می‌گفت پیامبر فرمود یا خداوند چنین گفته است: زید لبخندی زده گفت: این حرف که می‌زنی صحیح است، زیرا کتاب‌های حضرت علی نزد اوست. که یکی از این کتاب‌ها، مصحف علی(ع) می‌باشد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۷/۴۷)

## ۸. بررسی شبهات

چنان‌که در بحث مصحف امام(ع) در منابع فریقین مطرح گردید همه علمای شیعه و اکثر علمای اهل سنت وجود این مصحف را پذیرفته‌اند اما گروهی دیگر که از اندیشه‌های سلفی‌گری متأثرند اسناد مربوط به این مصحف را نادیده گرفته و وجود مدارک آن را در کتاب‌های امامیه دلیل تحریف قرآن به باور شیعیان گرفته‌اند. از جمله، موسی جار الله، علی احمد سالوس، احسان الهی ظهیر، ناصر علی قفاری، (جارالله، ۱۳۶۹: ۳۳؛ سالوس، ۱۴۰۵: ۱۶۰؛ الهی ظهیر، ۱۴۱۵: ۱۴۳؛ قفاری، ۱۴۱۴: ۲۳۵) شبهاتی را در این زمینه مطرح نمودند: شبهه اول در باب اصل وجود این مصحف است که قائل‌اند مصحف علی ساخته اندیشه‌های عبدالله بن سبا و نقطه آغاز اعتقاد تحریف قرآن در اندیشه‌های شیعه است(قفاری، ۱۴۱۴: ۲۳۵) که این شبهه با بیان روایات متعدد از منابع اهل سنت که سند آن‌ها مستفیض و برخی دیگر صحیح هستند پاسخ داده شد. شبهه دوم این است که اگر چنین مصحفی وجود داشت چرا امام علی لااقل در زمان حکومت خود آن را آشکار نکرد. بنابراین شیعیانی که گزارش این مصحف را پذیرفته‌اند علی را به خیانت و کتمان حق متصف می‌کنند.(همان: ۲۳۹؛ سعودی، بی‌تا: ص ۴۶) پاسخ این شبهه نیز تا حدودی در قسمت‌های قبل مطرح گردید که دانشمندان امامیه بالاتفاق معتقدند که تفاوت مصحف علی(ع) با مصحف موجود در جوهره قرآن نبوده

است و مصحف امام هیچ زیادت و نقصانی در آیات قرآن ندارد. لذا امام (ع) لزومی ندیدند که آن مصحف را آشکار کنند. (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۸۴؛ مفید، ۱۴۱۳: ۸۰؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲: ۴۹/۲؛ خویی، ۱۴۰۸: ۲۲۳) به نظر می‌رسد پنهان کردن مصحف از جانب امام، قوی‌ترین دلیل بر آن است که زیاده‌های آن مصحف از متن قرآن مُنزَل نبوده است و اگر تفاوت در جوهره قرآن و متن آیات وحی وجود داشت، سکوت امام جایز نبود. صدوق نیز در این زمینه چنین استدلال کرده که اگر آن اضافات از قبیل آیات قرآنی بود باید در قرآن موجود باشد و از آن جدا نشود. (ابن بابویه و مفید، ۱۴۱۴: ۸۶/۱)

علامه طباطبایی معتقد است اگر مصحف علی (ع) با مصحف موجود در بعضی حقایق دینی و حکمی از احکام الهی در آیات وحیانی مخالفت می‌کرد علی (ع) به سادگی دست از قرآن خود برنمی‌داشت بلکه به طور قطع با آنان به احتجاج می‌پرداخت. همان طور که می‌بینیم در موارد مختلف با مخالفان خود احتجاج نموده است، اما حتی یک مورد در روایات شیعه نیامده که ایشان درباره موضوعی، آیه و سوره‌ای را خوانده باشد که در قرآن رایج بین مسلمین نباشد و یا صحابه را به خیانت در نگارش قرآن متهم کرده باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱۶/۱۲) نیز سیره علی (ع) این است که مانند رسول خدا از هر نوع اختلافی در بین مسلمین به شدت جلوگیری می‌کرد، وجود تفاسیر برخی از آیات در مصحف ایشان این اختلاف را تشدید می‌کرد لذا ایشان به خاطر مصالح امت آن را آشکار نکردند.

شبهه سوم این است که در کتاب سلیم بن قیس آمده در مصحف علی تنزیل، تأویل، ناسخ و منسوخ آیات ثبت شده است و این نگارش با دستور پیامبر (ص) توافق ندارد که فرمودند: «از من چیزی جز قرآن ننویسید» ایشان به نوشتن قرآن دستور داده و از نگارش چیزی همراه قرآن نهی کردند تا مبادا قرآن با چیز دیگری آمیخته نشود. (قفاری، ۱۴۱۴: ۲۳۷)

پاسخ این شبهه این است که:

اولاً: بیان ویژگی‌های مصحف علی (ع) تنها در کتاب سلیم بن قیس نیامده بلکه در سایر منابع شیعه و سنی نقل شده است که در قسمت قبل ذکر گردید.

ثانیاً: قفاری در جای دیگر کتابش نوشته ابن مسعود، ابی بن کعب، عایشه و سالم مولی حدیفه مصاحفی داشته و در آنها تفسیر بعضی از آیات را می‌نوشتند. (همان: ۱۲۵) آیا این افراد گزارش پیامبر را فراموش کردند یا اساساً این حدیث ابوسعید خدری مانند حدیث

مشابهی از ابو هریره در مورد خاصی صادر شده و یا احتمال جعل آن می‌رود. (خطیب بغدادی، ۱۹۷۴: ۳۱)

ثالثاً: روایت ابو سعید در بحث عدم نگارش که تنها در کتاب‌های اهل سنت آمده حدیثی موقوف است و از جهت سندی ضعیف می‌باشد و این ضعف هم به خاطر وجود زید بن اسلم در سند روایت بوده که وثاقت او مورد تأیید علماء رجال نیست و هم به دلیل این است که علماء اهل سنت دستور نهدی از کتابت حدیث را مربوط به اوایل بعثت پیامبر (ص) می‌دانند در حالی که ابوسعید در آن زمان کودک خردسالی بوده و نمی‌توانسته این حدیث را مستقیماً از رسول خدا شنیده باشد. نیز روایت وی از جهت دلالت و سایر شرایط از سوی محدثان ضعیف شمرده شده چرا که حداکثر از حدیث او می‌توان نهدی از نگارش قرآن و حدیث را در ورق واحد برداشت نمود نه نهدی مطلق نگارش حدیث را، علاوه بر این که روایت ابو سعید، احادیث معارض قوی‌تری هم دارد. (همان: ۶۴؛ معارف، مجید (۱۳۸۷: ۶۳ و ۶۴) شاید به همین دلیل برخی صحابه به این فرمان عمل نکردند؛ از جمله عایشه می‌گوید: پدرم ابوبکر پانصد حدیث از رسول خدا (ص) نگاشته بود. (ذهبی، بی‌تا: ۵/۱)

رابعاً: آیا ممکن است که خداوند تبیین آیاتش را به پیامبرش واگذارد و حضرت به عنوان مبین و معلّم وحی از نگارش سنت جلوگیری کند!

خامساً: امکان آمیخته شدن کلام بشر با کلام الهی بزرگترین وهن به کتاب خداست، اگر چنین خلطی امکان دارد قفاری و امثال او چگونه می‌توانند از اعجاز قرآن سخن بگویند! بنابراین مصحف امام علی (ع) امری ثابت شده است و شبهات سلفیان و تهمت‌های ایشان به شیعه که با فحاشی همراه شده بیش از آنکه جنبه علمی داشته باشد رویکردی سیاسی دارد.

## ۹. نتیجه‌گیری

مصحف حضرت علی (ع) قرآن مُنزَل و یکی از آثار مکتوب امام علی (ع) می‌باشد که به املائی پیامبر (ص) و کتابت حضرت نگاشته شده و بعد از وفات پیامبر توسط ایشان جمع‌آوری گردیده است. این مصحف به عنوان میراث مکتوب از حضرت رسول به ائمه (ع) یکی پس از دیگری انتقال یافته و همانند جفر، جامعه و مصحف فاطمه (س) مورد استناد علمی ائمه واقع شده و نشانه‌ای بر امامت ایشان می‌باشد. وجود این مصحف بنا بر روایات فریقین

قابل انکار نیست و نحوه نگارش، مدت نگارش، محتوای آن، سرانجام مصحف و دلیل رد آن توسط صحابه پیامبر به طور تفصیلی گزارش شده است.

دیدگاه مشهور درباره مصحف امام علی این است که این صحیفه بر اساس شأن نزول آیات تنظیم گردیده لذا از نظر اهل سنت در چینش آیات و سوره‌ها و از نظر غالب علمای شیعه فقط در چینش سوره‌ها با مصحف رایج بین مسلمانان تفاوت دارد. اما دیدگاه جدیدی در این مسأله طرح گردیده که معتقد است مراد از «ما انزل الله» و «علی تنزیله» در احادیث مورد استناد، چینش آیات به ترتیب نزول نیست بلکه در مصحف امام علی علاوه بر نص آیات، تفسیر، تأویل و شأن نزول آیات نیز ذکر شده است که شامل وحی قرآنی و وحی بیانی می‌شود. نیز چینش آیات و سوره در مصحف کنونی مطابق مصحف امام علی (ع) تنظیم گردیده است. در این بین برخی نویسندگان معاصر به منظور دفاع از دیدگاه مشهور به تعمیم عبارات «ما انزل الله» و «علی تنزیله» بر تفسیر، تأویل و شأن نزول آیات اشکال وارد کرده و منظور این اصطلاحات را صرفاً متن آیات قرآن دانسته‌اند. در این صورت تنها تفاوت دو مصحف در این است که مصحف علی (ع) به ترتیب نزول جمع‌آوری شده و چینش سوره‌ها در آن با مصحف موجود متفاوت است و تفسیر و تأویل آیات در این مصحف وجود ندارد. انتقاداتی بر این دیدگاه وارد است که استنادات ائمه به مصحف علی (ع) در تفسیر برخی آیات و صدور حکم شرعی و معرفی این مصحف به عنوان یکی از منابع علم ایشان، نشانه این است که در این مصحف، تفسیر، تأویل و شأن نزول آیات ذکر شده است. لذا تفسیر آیات (وحی بیانی) جدای از متن آیات (وحی قرآنی) نیست. چرا که «و ما یَنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحی یُوحی: و از سر هوس سخن نمی‌گوید. این سخن به جز وحیی که وحی می‌شود نیست.» (نجم: ۳ و ۴) آن چه از زبان مبارک پیامبر (ص) در قالب آیات قرآن و تفسیر آنها بیان گردیده وحی الهی می‌باشد که مصون از خطا است.

بنابراین بر اساس شواهد طرح شده، دیدگاه جدید در باب محتوای مصحف امام علی (ع) مقبول‌تر به نظر رسیده و تفاوت دو مصحف در چینش آیات و سوره نخواهد بود بلکه در اضافه شدن تفسیر و تأویل آیات می‌باشد و این اضافات جزء آیات قرآن نیست. لذا شبهات وهابیان بر اعتقاد به تحریف قرآن از نظر شیعه، بی اساس می‌باشد.

## منابع

قرآن کریم (۱۴۱۵ ق). ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دار القرآن الکریم، چ ۱.

- آمدی، عبد الواحد (۱۳۶۶ ش). *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چ ۱.
- ایازی، محمد علی (۱۳۸۰ ش). *مصحف امام علی (ع)*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۱.
- ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق) (۱۳۶۳ ش). *کمال الدین و تمام النعمه*، قم: نشر اسلامی، بی چا.
- ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق) (۱۴۱۷ ق). *امالی*، قم: مؤسسه بعثت، چ ۱.
- ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق) (۱۳۹۸ ق). *التوحید*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چ ۱.
- ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق) (بی تا). *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، قم: جامعه مدرسین، چ ۱.
- ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق) و مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۴ ق). *اعتقادات الإمامیه و تصحیح الاعتقاد*، قم: کنگره شیخ مفید، چ ۲.
- ابن جزئی الکلبی، قاسم بن احمد (۱۹۹۳ م). *التسهیل لعلوم القرآن*، بیروت: دارالکتب العربی، چ ۴.
- ابن حنبل، احمد بن محمد بن حنبل (۱۳۱۳ ق). *مسند*، مصر: بولاق، بی چا.
- ابن سعد واقدی، محمد (۱۴۰۵ ق). *الطبقات الکبری*، بیروت: دارالحیاء التراث العربی، بی چا.
- ابن سعد واقدی، محمد (۱۴۱۲ ق). *المناقب آل ابی طالب*، تحقیق یوسف البقاعی، بیروت: داراضواء، بی چا.
- ابن سعد واقدی، محمد (۱۳۶۳ ش). *سعد السعود*، قم: انتشارات رضی، بی چا.
- ابن عبدالبر، یوسف (۱۴۱۲ ق). *الاستیعاب*، تحقیق علی محمد الجاوی، بیروت: دارالجیل، چ ۱.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*، بیروت: صادر، چ ۳.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۶۶ ش). *الفهرست*، تحقیق و ترجمه محمد رضا تجدد، تهران: امیر کبیر، بی چا.
- ابو نعیم اصفهانی، احمد (۱۴۰۷ ق). *حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء*، بیروت: دارالکتب، بی چا.
- الهی ظهیر، احسان (۱۴۱۵ ق). *الشیعه و القرآن*، لاهور: اداره ترجمان السنه، چ ۷.
- ابوزید، بکر بن عبدالله (۱۴۱۲ ق). *معرفة النسخ و الصحف الحدیثیه*، حجاز: دارالرایه، چ ۱.
- احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹ ق). *مکاتیب الرسول*، قم: دارالحدیث، چ ۱.
- احمد، امتیاز (۱۴۳۱ ق). *دلائل التوثیق المبکر للسنه و الحدیث*، ترجمه عبدالمعطی امین قلعهجی، دمشق: قتیبه، چ ۲.
- امین عاملی، محسن (۱۴۰۶ ق). *اعیان الشیعه*، بیروت: دارالتعارف، بی چا.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۲۲ ق). *غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الإمام من طریق الخاص و العام*، تحقیق سید علی عاشور بیروت: مؤسسه التأریخ العربی، چ ۱.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه موسسه البعثه، تهران، بنیاد بعثت، چ ۱.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۹۴ ق). *انساب الاشراف*، بیروت: منشورات العلمی، چ ۱.
- جارالله، موسی (۱۳۶۹ ش). *الوشیعه فی تقد عقاید الشیعه*، پاکستان: بی نا، بی چا.
- حجتی، محمد باقر (۱۳۸۷ ش). *تاریخ قرآن کریم*، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، چ ۲۴.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). *وسائل الشیعه*، قم: آل البیت، بی چا.

- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۳ق). *الفوائد الطوسیه*، تعلیقه مهدی لاجوردی و محمد درودی، قم: انتشارات علمیه، بی‌چا.
- حسکانی، عبیدالله (۱۴۱۱ق). *شواهد التنزیل لقواعد التفصیل*، تحقیق محمد باقر محمودی، قم: مجمع احیای فرهنگ اسلامی، بی‌چا.
- حسکانی، عبیدالله (۱۴۳۱ق). *معرفة الامام و العلم بالغیب و الغلو و صیانه القرآن*، بیروت: جواد الاثمه، چ ۱.
- حلی، یوسف بن محمد (۱۴۱۴ق). *تذکره الفقهاء*، قم: آل البیت، چ ۱.
- خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی (۱۹۷۴م). *تعمیر العلم*، تحقیق یوسف العشی، بیروت: دار احیاء سنت النبویه، چ ۲.
- خوارزمی، موفق بن احمد (۱۴۱۱ق). *المناقب*، تحقیق مالک المحمودی، قم: نشر اسلامی، چ ۲.
- خوارزمی، موفق بن احمد (۱۴۰۸ق). *البيان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالزهراء، چ ۵.
- خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). *معجم رجال حدیث و تفصیل طبقات الرواه*، قم: مرکز نشر آثار شیعه، چ ۱.
- ذهبی، شمس الدین محمد (بی‌تا). *تذکره الحفاظ*، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی‌چا.
- ذهبی، محمد بن أحمد (۱۴۰۴ق). *معرفة القراء الکبار علی الطبقات و الأعصار*، تحقیق بشار عواد معروف و آخرون، بیروت: مؤسسه الرساله، چ ۱.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴ق). *مفردات فی غریب القرآن*، تهران: نشر کتاب، چ ۲.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم (۱۴۱۲ق). *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، بیروت، دار احیاء تراث عربی، بی‌چا.
- زرکشی، محمد بن بهادر (۱۴۰۸ق). *البرهان فی علوم القرآن*، تعلیقه مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، چ ۱.
- زنجانی، ابوعبدالله (۱۴۰۴ق). *تاریخ القرآن*، تهران: منشورات منظمه الاعلام الاسلامی، بی‌چا.
- سالوس، علی احمد (۱۴۰۵ق). *اللائر، الامامه فی الفقه الجعفری و اصوله*، عمان: بی‌نا، بی‌چا.
- سالوس، علی احمد (۱۴۲۲ق). *المناهج التفسیریة*، قم: مؤسسه امام صادق، بی‌چا.
- سجستانی، عبدالله بن ابی داوود (۱۹۳۶م). *المصاحف*، تصحیح اثر جفری، قاهره: دارالرحمانیه، چ ۱.
- سعودی، ربیع (بی‌تا). *الشیعه الامیه الثنی عشریه فی میزان الاسلام*، قاهره: مکتبه ابن تیمیه، بی‌چا.
- سلیم بن قیس هلالی (۱۴۰۵ق). *کتاب سلیم بن قیس*، قم: انتشارات هادی، بی‌چا.
- سیوطی، جلال الدین (بی‌تا). *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت: دار الفکر، بی‌چا.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۱ق). *تاریخ خلفاء*، تحقیق محمد عبدالحمید، قم: شریف رضی، چ ۱.
- شرف الدین، عبدالحسین (۱۴۰۲ق). *المراجعات*، بیروت: جامعه الاسلامیه، چ ۲.
- شهرستانی، عبدالکریم (۱۳۷۶ش). *مفاتیح الاسرار و مصابیح الانوار*، تهران: بی‌نا، بی‌چا.
- صبحی صالح (۱۹۷۲م). *مباحث فی علوم القرآن*، بیروت: بی‌چا، بی‌نا، بی‌چا.
- صفار قمی، محمد بن حسن (۱۳۸۹ش). *بصائر الدرجات فی علوم آل محمد*، ترجمه و تصحیح علیرضا زکی زاده، قم: وثوق، چ ۱.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: اعلمی، چ ۱.



- طبرسی، احمد بن علی (۱۳۸۱ش). *احتجاج علی اهل اللجاج*، ترجمه جعفری، تهران: اسلامیه، چ ۱.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق). *مجمع البحرین*، تهران: مرتضوی، چ ۳.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *الأملی*، قم: دارالتقافه، بی چا.
- عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۱۰ق). *حقایق هامه حول القرآن الکریم*، قم: نشر اسلامی، چ ۱.
- عسکری، مرتضی (۱۴۱۳ق). *القرآن الکریم و روایات المدرستین*، بیروت: مجمع العالمی لاهل البیت، چ ۱.
- عسکری، مرتضی (۱۳۸۲ش). *نقش ائمه در احیای دین*، تهران: مرکز فرهنگی انتشارات منیر، چ ۱.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). *کتاب التفسیر*، تهران: چاپخانه علمیه، بی چا.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۸ق). *کتاب العین*، تحقیق مخرومی، بیروت: منشورات الاعلمی، چ ۱.
- فرشچیان، رضا، (۱۳۸۵ش). «مصحف امیرالمؤمنین یا نخستین کتاب در حوزه علوم قرآنی»، *مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران*، ش ۱، ۱۷۸-۱۹.
- فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۱۵ق). *الصفافی*، تحقیق حسین اعلمی، تهران: صدرا، چ ۲.
- قفاری، ناصر بن عبدالله (۱۴۱۴ق). *اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه*، ریاض: بی نا، چ ۱.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). *تفسیر قمی*، قم: دارالکتاب، چ ۳.
- کنانی، عبدالحی (بی تا). *التراویب الادریبه*، بیروت: دارالکتاب العری، بی چا.
- کلینی، محمد بن یعقوب (بی تا). *اصول کافی*، ترجمه جواد مصطفوی، تهران: الکتب اسلامیه، چ ۱.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۰۹ق). *کنز العمال*، تحقیق بکری حیانی، بیروت: مؤسسه الرساله، بی چا.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق الف). *بحار الأنوار*، بیروت: الوفاء، بی چا.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق ب). *مرآه العقول*، تهران: الکتب الاسلامیه، بی چا.
- مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۸۳ش). *میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین*، ترجمه رسول جعفریان و علی قزایی، قم: ادیان، بی چا.
- معارف، مجید (۱۳۸۷ش). *تاریخ عمومی حدیث*، تهران: کویر، چ ۹.
- معرفت، محمد هادی (۱۴۱۱ق). *التمهید فی علوم القرآن*، قم: نشر اسلامی، چ ۱.
- مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق الف). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم: کنگره شیخ مفید، چ ۱.
- مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق ب). *المسائل السرویة (مسئله التاسعة)*، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید، چ ۱.
- مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق ج). *مصنفات الشیخ المفید (اوائیل المقالات فی المذاهب و المختارات)*، قم: مؤتمر العالمی الشیخ المفید، چ ۱.
- مهدوی راد، محمد علی (۱۳۸۸ش). *تدوین الحدیث عند الشیعه الامامیه*، تهران: هستی نما، چ ۱.
- نباطی عاملی، علی بن محمد (۱۳۸۴ش). *الصراط المستقیم إلی مستحقّی التقادیم*، تصحیح محمد باقر بهبودی، تهران: المکتبه المرتضویه، چ ۱.
- ناصحیان، علی اصغر (۱۳۸۹ش). «مصحف علی (ع) از منظر احادیث»، *آموزه های قرآنی دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، ش ۱۲.

ناصریان، علی اصغر (۱۳۸۷ ش). «نگاهی نو به جمع قرآن»، فصل‌نامه الهیات و حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۳۰.

نجم‌زادگان، فتح‌الله (۱۳۷۸ ش). *سلامة القرآن من التحریف*، تهران: پیام آزادی، چ ۱.  
نکونام، جعفر (۱۳۸۶ ش). «ترتیب مصحف امام علی (ع) موافق نزول یا موافق موجود»، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، ش ۲.

*نهج البلاغه* (۱۳۷۸ ش). ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، چ ۵.